

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداد
۰۹ مارچ ۲۰۱۸

[ساغر و پیمانه سوخت]

بلکه برقی روی آن ساقی می‌ومیخانه سوخت
لیک در سودای شیرین کوهکن مردانه سوخت
از غم یوسف زلیخا با سر و سامانه سوخت
شمع رخسار ترا تا دید چون پروانه سوخت
در کف مشاطه آه آتشیمن شانه سوخت
تا دچار عشق گشتم دفتر افسانه سوخت
بر سر هشیارها آخر دل دیوانه سوخت
در زمین شوره زار بختم آخر دانه سوخت
برهن وار عاقبت در بین آتشیخانه سوخت

من نمی‌گویم که تنها ساغر و پیمانه سوخت
گرچه مجنون خاک شد اندر غم لیلای خویش
پیر کنعان را نپنداری که تنها داغ شد
ای جفا جو حال مرغ دل چه پرسان می‌کنی
بسکه دل از رشک همچون زلف جانان تاب خورد
آن حکایت های شیرین یک قلم از یاد رفت
رحم نامد عاقلی را بر جنون آوارگان
این دل ناشادم حاصل جز ندامت بر نداشت
با بُتان شعله‌خو از بسکه جوشید عشق‌ری